

آرمان‌های ایران

ارگان حزب ملت ایران

سال یکم شماره ۲۹ سهشنبه بیست و نهم مهرماه ۱۳۵۹ بهاء ۱۵ ریال

میهن از نو جان میگیرد

قطره، قطره خون جان بازان با
لحظه، لحظه جاودانگی پیوند
می‌یابد

در صفحه ششم

عید مبارک قربان بر هم میهنان فرخنده باد

خجسته عید «الاضحی» این سنت دیرین ملتها خاورزمیں و بزرگترین روز اسلام فرا رسید. در این روز مبارک انسان در میعاد شهادت، ارزش والای خود را بدست آورد و به راستی روز قربان، روز انسان‌سازی و آزادگی گردید. امسال، در این روز فرخنده اسلام، ملت ما شاید برای نخستین بار نتوانست، آنسان که باید به میعاد وحدت و دیدار خانه حق بروند، اما فرزندان دلاورش، هزاران یار کاروان شهادت به زیارت «خانه خدای شناقتند». امسال در این روز آزادی آفرین، شاید برای نخستین بار توسط کسانی که اسلام را جلوه «عربیت» خود میدانند برغم سنتهای کهن در ماه «حرام» بر ملت ما آتش ریختند و خونریزی بپا داشتند. امسال، در این عید خون، ملت بزرگ ما، با چهره خونین در «قربانگاه» امپریالیسم جشن قربان میگیرد و با سیمای درخشان، سنجنگان بر اهربین غدار در کوه شکوهمند انسانی، مقدم پربرکت «الاضحی» را استقبال میکند.

بیهودگی شرکت نخست وزیر در جلسه شورای امنیت

فرصت بهره گیرند و پیام انقلاب اسلامی ملت ایران را به جهانیان اعلام دارند. اگر تنها اجرای همین خواسته در نظر میبود، سفر شخص نخستوزیر وهیئت همراهش چندان ضرور نمی‌بود، هر نماینده ایران در هریک از بخشها سازمان ملل متعدد میتوانست پیام ایران انقلابی را به گوش ملتهای که زیر سلطه قرار ندارند برساند، همچنانکه رئیس هیئت نماینده گی ایران در واپسین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متعدد این وظیفه را انجام داد. بقیه در صفحه سوم

از گسترش بیکاری جلوگیری کنید بی برنامگی دولت باید پایان یابد

با ایجاد گروههای کار بطور ضربتی به عمل بپردازند. بس از پیروزی انقلاب جز در همان چندماه نخستین در رفع اصولی بیکاری اقدامی سنجیده ساختمانی دچار رکود شد و یا پس از فسالت کوتاه مدت رو که از پرجسته‌ترین علتها آن موارد زیر را میتوان ذکر کرد: - در بعضی واحدهای صنعتی - با خارج شدن و فرار سرمایه‌داران، کارخانه‌داران و پیمانکاران وابسته از کشور عدم پیشنهادی و توانائی دولتها پس از انقلاب در بقیه در صفحه ششم

همه چیز پیچیده‌تر از آن است که دست افراد کاران گمان می‌کند

سرنوشت جنگ به پایداری و استواری مردم بستگی دارد ارتش نقش بر جسته خویش را ایفا کرد انحصار گری‌ها به همبستگی ملی

زنگی مردم نیز چنان بود که تمام مردم با کاربرد اینگونه افزارها آشنا بوده و سواری نیز کار روزمره همگان بود و در نتیجه هرگاه که کشور مورد هجوم بیگانگان قرار میگرفت با صدور یک فرمان تعداد لازم از زیرا افزارهای جنگ بسیار ساده و دریک شمشیر و تیر و کمان میان جوانان گرد آمد و به بقیه در صفحه سوم

ز مینه‌ی شایعه‌سازی را از میان بردارید

مردم ما، به عزت زیستن را، در لایلای فرهنگ بلند خود آموخته‌اند، و از دست نهادن آن را یارانه ندارند. و آنچه نعمتهای خاکی از ایشان دریغ می‌آید، بزرگی خود را در وارستگی عرفانی، می‌جویند و بقیه در صفحه سوم

مردم ما، «نقضان مایه» را از چشم «همسایه» پوشیده می‌دارند و از کفر قرن سرمایه را چندان ناخوش نمی‌دارند که «لامات همسایه».

مردم میهن ما، تلخی حیات را به جان می‌خرد. ولی فروافتادن از چشمها را تاب نمی‌آورند و اوی از آن رور که ناگزیری‌های دوستان نهان می‌دارند و برازندگی‌ها و فخرهای خود را به جلوه درمی‌آورند.

باید همه فیروهای سازند را بسیج کرده

اسلامی ایران و اخلال در ایران اتفاقاً بمرزهای میهن ما هجوم آورد.

در این پیکار عراق، یار و نماینده سلطه‌گران، پایمال گندگان حق حاکمیت ملتها ولگذ کوب گندگان استقلال کشورهاست و در جایگاه باطل و ایران، که بدفاع از هستی واستقلال ملی و حفظ دست‌آوردهای انقلاب اسلامی خود است، در سنگر حق قرار دارد.

چو ایران نباشد قن من مباد

آسان پنداری و فرقه‌گرائی دو مهله‌که بزرگ سیاست خارجی با سیاست داخلی در رابطه همیشگی می‌باشد

واز اینرو در تعیین تکلیف برای دشواری‌های خارجی کشور اندیشه خود را در یک میدان تنگ به حرکت در می‌آورند و راحی برای همان دشواری در همان چارچوب جستجو میکنند. این زمینه پدید می‌آید، تنها در متن همان سیاست می‌باید زدوده شود.

تنظیم سیاست خارجی کشور یکی از پیچیده‌ترین وظیفه‌های هر حکومت است. ناآشنایان به سیاست خارجی می‌بینارند دشواری‌هایی که در این زمینه پدید می‌آید، تنها در متن همان سیاست می‌باید زدوده شود.

صحنه‌های کنونی جنگ، جای آزمایش نیست

آنچه برکشور می‌گذرد از ناآگاهی‌ها و ناتوانی‌ها حکایت میکند سامان بخشی جنگ را به کسانی که شایستگی و ورزیدگی دارند بسپارید

از نامردی دشمن هر روز خبرها می‌رسد، از هجوم بر ساختمانهای غیرنظمی داستانها پدید آمده در اینجا و آنجا، مدرسه‌ها و بیمارستانها را درهم می‌گویند، و خانه‌های مردمان را به آتش می‌کشند. هفته‌ها از جنگ می‌گذرد، و با همه دلاوری‌ها که مردم کرده‌اند، هنوز در بعضی بخشها دشمن بر سرزمین ایران ایستاده است و هنوز بر رودها پل می‌بینند و در جاده‌ها پیش میراند و پر شهر و روستاهای غرب و جنوب کشور آسیبهای جبران ناپذیر می‌رسانند. درهم شکستن این نامردان، برمی‌گذرد ایران دشوار نبوده، اگر تاکنون این خواسته برآورده نشده، دشواری در کار است که باید آن را یافتد و از میان برداشت.

تا راندن و گوبیدن ارتش مزدور صدام حسین، نیاز به اینهمه دلیری و ویژانی ندارد این تجاوز گران دست نشانده باید بسیار آسانتر و زودتر از اینها فرو گرفته شدند.

از آنچه تاکنون رفته است چنین برمی‌آید که نارسانی‌ها و ناآگاهی‌ها و ناتوانی‌ها در کار می‌باشد و باید همه را آشکار کرد و هرچه زودتر به رفع آنها پرداخت.

سامان دادن جنگ‌های دوران کنونی، به آگاهی و تخصصهای ویژه نیاز دارد، صحنه جنگ صحنه آزمایش و احتمال نیست و هر برداشت ناروا و هر تعمیم نادرست؛ زیانها و کشته‌ها به بار می‌آورد.

در هنگامه پر دود و آتش جنگ فقط آنها که شایستگی و ورزیدگی تمام دارند باید به تصمیم گیری و فرماندهی باشند. بقیه در صفحه دوم

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دوره پنجم سال یکم شماره ۲۹

پاره دلی تقدیم به روزمندگان دلیر وطنم

ای عقاب آهنین پروبال

زنده و مردمان بدين خاک است
غیر از اینم کجا پذیرا هست?
استخوان پدر، نهان اینجاست
تن مادر، به گور، تنها، هست
خانه طفلم، دستانم
یادگاران خاطر آرا هست
«همت آباد» و «بغاع ملی» و «وارگ»
دایه و بازی و تماش، هست
وان تقاره که میزدند به شام
باز در گوش من به غوغاه است
وانکه اول کلام عشق، سرود
- گرچه اکنون دگرنه برنا- هست
طوس و آن مشهد شریف امام
اشک خامش، زبان گویا، هست
دل کشمچون کبوتران، به
طوف،
در طیش بود و - نیز حالا - هست
و انکه آرامگاه فردوسی:
آن عظیم عزیز والا، هست
درد پسیار آن جدامی کور
شرم ناجیزی دادیا هست
شهر شیراز و موسی گل سرخ
سعده و «حافظ» و «مصلی» هست
شب و کارون و آسمانی صاف
- که در او هرستاره پیدا - هست
طبرستان و بیشمها آنبوه،
کوه و آئینه اش ز دریا، هست
خیل یاران، اگرچه رفته بسی-
بیشتر مانده پای بر جا، هست
ای وطن، با تو بسته ام عهدی.
جانم از آن تست، تن تا هست
شعر و شور و سورم اینجا، بود
تحت و تابوت و گورم اینجا هست
ای عزیزان، امید فتح شماست
در دلم هیچ اگر تمنا هست.
شب اگر و همناک و تاریک است
روشنیهای صبح فردا هست
خصم اگر با نشان بولهی است
با شما آیت «سیصلی» هست*
* اشاره به سوره «تبت»
* آیه سیصلی ناراذات لهب
سیمین بهبهانی
۵۹۷۸

ما نمیخواستیم، اما هست
جنگ، این دوزخ، این شر را
هست
گفته بودم که، هان، مبادا جنگ
دیدم اکنون که آن «مبادا» هست
خصم چون ساز کج مداری کرد
کی دگر فرست مدارا هست؟
این وطن جان ماست، بادشمن
مسپارید، جان ما، تا هست
آتش افزار تان - به نام ایزد-
آتش افروز و آتش افزا هست
خود گرفتم نبود - گو که مباد-
چنگ و دندان و سنگ خارا هست
دست یارید. تاکه یارا هست
پای دارید.
ای عقاب آهنین پروبال.
خود زیر وازان چه پروا هست؟
گریه آبشخوری نیاز شماست
ایگیر سپهر میناه است
رایتان گر شکار بحربیر است
بره و ماهیش مهیا هست
گرگیا هینه خور دن تان باید
توشه از خوشة ثریا هست
ای سمندر و شان! خطأ گفت
آتش است آنچه تان گوارا هست
کوه آتش فشان جسته زجا
دارد آن خشم و گین که پای هست
برسر دشمنان بیفشناید.
هر بلا کز فرود و بولا هست
ما نمیخواستیم جنگ وستیز
اهرمن خواسته، - ای دریله است
لانه اهرمن نشاید داشت
خانه تا جلوه گاه مزدا هست
آشنا پوستین و پوست بکند
شرف اما هنوز، باما هست
آشنا را به غیر نفوشیم
عقلمان راهبری به سودا هست
وقف بیگانگان نشاید کرد
گرچه در خانه خوان یغما هست
نام ایران بود شناسه من
اینچنینم، جهان، شناساه است

باید همه . . .

گفته که مادر سنگ حق
هستیم، چنین جنگی باید آبادی
و سازندگی در پی داشته باشد.

آباد کردن و ساختن در دنیا
منطقه بگذارند.
این گروهها وظیفه دارند هر
ویرانی را بیدرنگ ترمیم کنند،
هر پلی و سدی که شکسته شود
هر باندی که آسیب بینند، در
دم آماده به مرداری کنند.
همه آسیبرسانی های دشمن در
کار جابجای نیروهای نظامی
باید خشی شود.

پکار کنان باید تفہیم شود که
جنگ با دشمن تنها حضور در
صف مقدم جبهه و بدبست گرفتن
جنگ افزار نیست، هر ایرانی که
بهر نحوی در جبهه جنگ یا پشت
چبیهه جنگ نیروهای ارتش را
یاری رساند بی شک در این نبرد
میهنه سهم خواهد داشت.
تاکنون بهمث ایرانیانی که
انقلاب را باور دارند کوششها
در این زمینه شده است ولی باید
همه نیروهایی که در شرکت های
ساخته ای قرار گرفته اند و هر
یک سالها تجربه را پشت سر
کرد بسیج و بکار گرفته شوند، اگر
نیروهای نهفته و آشکار ملت
است. اینک به برنامه های
در از مدت نمیتوان پرداخت ولی
در این لحظه های حساس که
جنگ در میهن ما جریان دارد
نقش شرکت های راهسازی
و ساخته ای و وظایف آنها در
همت گماری به ترمیم خرابی ها را
نماید از بود و نبود است، سخن از نابودی فرهنگ ملی
و حرمت تاریخی ایران است.

سخن از شکست نظامی نیست، چنین شکستی را
میتوان در طی زمان جبران کرد ولی نیستی حرمت و
فرهنگ را به صحنه های اصلی رویاروئی بادشمن
محدد داشتن و سایر زمینه های زندگی ملی را به حال
خوبی رها کردن، انتباھی است مرگبار.

جنگی که اینک ایران در گیر آن است، اقتضای
سامان بخشی بیشتر و گسترده دارد. در هر جنگ،
سخن از شکست و پیروزی است، اما، در این جنگ،
نیروهای نهفته ملت به درهم شکست دشمن بسیج
کرد.

سخن از دامنه یافتن جنگ در طول زمان با
توانی های کشور تناسب ندارد، چرا که می شد دشمن
را به سرعت در هم شکست، اگر چنین نشده ناتوانی از
سامان بخشی به جنگ بروخاسته است.

بايد، هر کدام از دست اندر کاران که در خوبی،
یاری سامان بخشی جنگی نمی بینند جای خود را به
آنکس بسیارند که چنین ناتوانی ها دارد و هر تردید و
دو دلی در انجام این تکلیف هم بر کشور و هم بر خود
آنها مصیبت ها خواهد رساند.

جنگ کنونی، فرست آنرا نمی دهد که کار بدستان
به آموختن دانش های جنگ و یافتن تخصص بپردازند و
جا گاها های فرماندهی را در اختیار بگیرند.

رهبران سیاسی و روحانی که در همه کارها دخالت
می کنند اگر، دانش های جنگی لازم می داشتند و سامان
جنگی درست پدید می آورندند، در هفته ها پس از
جنگ، مدرسه ما زیر باران بمب نمی ماند، و
بیمارستانهای ما، آماج خمپاره و توب نمی بود. بسیاری
از مصیبت ها که بر مردم رسیده و بسیاری زخمها که بر
پیکر اقتصاد خورده، از درست نبودن سامان جنگی
کشود است.

و اپسین هشدار به دولتمردان، یادآوری
مسئولیت های شکرف ایشان می باشد و در پس این
مسئولیت این اندرز تاریخ نهفته است که هر کدام که
آگاهی ها و توانی های خاص دوران جنگ را ندارید به
خود نهایه جنگی را از میان بگیری.

بدهید.

نه ایران نه ارتش جمهوری اسلامی ایران و نه

سازمانهای اداری کشور، سترون و بیشتوانه نیستند،

اینهمه به انقلاب جفا نکنید و داعیه انجام کاری را که

نمی توانید، نداشته باشید و دست کم سامان بخشی به

این جنگ سرنوشت ساز را به کسانی بسیارید که

شاپیگی و وزیدگی باشته را دارند.

صحنه های کنونی
جنگ، جای آزمایش
نیست

آگاهی ها و تخصص هایی که قدرت سامان دادن
جنگ را در آدمی می آفریند، در مدتی کوتاه
حاصل شدند نیست، این توانائی ها به سالها آموزش
و عمل نیاز دارد و این توانائی ها، از دانش های ایستاده
برنامی خیزد و هر هفته، و حتی هر روز که بگذرد
سامان دهنده جنگ باید داشت ها و توانائی های خود
را تازه و سروشارتر کنند.

اینکه ارتش های بزرگ جهان، هرگاه و بی گاه دست
به مانور می یزند، و خبر رهای
آنهم در رسانه های گروهی گفته می آید، نشانی است از
ضرورت تازه داشتن آگاهی ها و تخصص ها.
مهله که جنگ های کنونی را باید به کسانی سپرد که
کار دانی و کارآمدی خاص را به کف آوردند و اگر جز
این شود، راه خسروان در پیش گرفته شده است.
سامان دادن به جنگ های کنونی، تنها در صحنه
جنگ صورت نمی باید، این سامان بخشی، همه
زمینه های حیاتی کشور را در بر میگیرد، باید تعاملی
توانائی های اصلی کشور در کار جنگ بسیج شود.

در زمان جنگ بودجه، اقتصاد و نظام سنتی و
کشاورزی و آبادانی و درمانی و ترابری و آموزشی
چهارهای دیگر به خود می گیرند، هر کدام از این
زمینه های باید جنان ترتیب داده شوند که از آسیبه های
جنگ بر کثار مانند و نیز در تدارک اسبابهای جنگ
یاری دهد.

جنگ را به صحنه های اصلی رویاروئی بادشمن
محدد داشتن و سایر زمینه های زندگی ملی را به حال
خوبی رها کردن، انتباھی است مرگبار.
جنگی که اینک ایران در گیر آن است، اقتضای
سامان بخشی بیشتر و گسترده دارد. در هر جنگ،
سخن از شکست و پیروزی است، سخن از نابودی فرهنگ ملی
و حرمت تاریخی ایران است.

سخن از شکست نظامی نیست، چنین شکستی را
میتوان در طی زمان جبران کرد ولی نیستی حرمت و
فرهنگ را به سختی می توان تاب آورد.
هیچ سستی در این روز روا نیست و باید همه
نیروهای نهفته ملت به درهم شکست دشمن بسیج
شود و این نیاز باید هر چه ستاد آلوده تر برآورده
گردد.

سخن از دامنه یافتن جنگ در طول زمان با
توانی های کشور تناسب ندارد، چرا که می شد دشمن
را به سرعت در هم شکست، اگر چنین نشده ناتوانی از
سامان بخشی به جنگ بروخاسته است.

بايد، هر کدام از دست اندر کاران که در خوبی،
یاری سامان بخشی جنگی نمی بینند جای خود را به
آنکس بسیارند که چنین ناتوانی ها دارد و هر تردید و
دو دلی در انجام این تکلیف هم بر کشور و هم بر خود
آنها مصیبت ها خواهد رساند.

جنگ کنونی، فرست آنرا نمی دهد که کار بدستان
به آموختن دانش های جنگ و یافتن تخصص بپردازند و
جا گاها های فرماندهی را در اختیار بگیرند.

رهبران سیاسی و روحانی که در همه کارها دخالت
می کنند اگر، دانش های جنگی لازم می داشتند و سامان
جنگی درست پدید می آورندند، در هفته ها پس از
جنگ، مدرسه ما زیر باران بمب نمی ماند، و
بیمارستانهای ما، آماج خمپاره و توب نمی بود. بسیاری
از مصیبت ها که بر مردم رسیده و بسیاری زخمها که بر
پیکر اقتصاد خورده، از درست نبودن سامان جنگی
کشود است.

و اپسین هشدار به دولتمردان، یادآوری
مسئولیت های شکرف ایشان می باشد و در پس این
مسئولیت این اندرز تاریخ نهفته است که هر کدام که
آگاهی ها و توانی های خاص دوران جنگ را ندارید به
خود نهایه جنگی را از میان بگیری.

بدهید.

نه ایران نه ارتش جمهوری اسلامی ایران و نه

سازمانهای اداری کشور، سترون و بیشتوانه نیستند،

اینهمه به انقلاب جفا نکنید و داعیه انجام کاری را که

نمی توانید، نداشته باشید و دست کم سامان بخشی به

این جنگ سرنوشت ساز را به کسانی بسیارید که

شاپیگی و وزیدگی باشته را دارند.

کلاس دعاشی

مرتضی کاتوزیان

خیابان صبا چهارراه بزرگ شهر ساختمان صباطقه سوم تلفن ۶۶۸۷۱

ملت ایران، جنگ را در همه زمانها و همه مکانها پذیری است

نامه‌های رسیده

۸ صفحه از پیشیه

دختر دیگر با چنین احساساتی انتظار آنرا میکشند که
دستی بسویشان دراز شود و از آنها کمک بخواهد. وجود
سرابا مهر و از خود گذشتگی ایشان که می خواهند در
حیط ناشنقا و بسیشک پر
از تجربه های تلخ و دردناک بیمارستان ها کار کنند، چرا
نادیده گرفته میشود!.

کشور عزیز ما در جنگ است و این جنگ از سوی
کسانی تحمل شده که شرف و غرور همه می مارا آزرده
و باید هر یک در حد توانائی در این میدان سرنوشت از
خود مایه بگذاریم.

باید هر دستی را که برای مدد رساندن دراز شده
صمیمانه فشرد. باید از هربازو هر قدم، هر درم برای پیروز
شدن استقبال کرد.

باید به یاری عزیزانی که شب و روز در معرض
بمباران‌های موگزه‌قرار گرفته‌اند، دیستان و خانه
ویمارستان و مسجد شهرشان در امان نیست و دلالورانه از
مرز و بومشان بدفاع برخاسته‌اند، شتافت.
با کدامین فریاد می‌توانم تمنا کنم این ملت بزرگ را
که می‌خواهد تا آخرین نفر و آخرین نفس بجنگد بسیج
کنید، تا آن فریاد را از هنگ برآورم.
با کدامین دعا در دل دست‌اندر کاران می‌توان راه
جست «قاروم آن دعا بیاموز» شما را بخدا نامه‌ام را درج
کنید شاید چشم مسولی بدان افتاد و در دلش اثر کند و به
ایادش بیاورد که اگر خدای نگرده بکشورمان آسیبی وارد
آید دیگر نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاک نشان.
چنین روزی خورشید سرنزند و بر سرنوشت ما رقم نخورد
که ننگ ابدی بر نسل ما باشد.

گرماننڈت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیما

زیر نظر شورای نویسنده‌گان
سماوه حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فر
نیابان سپهبد قرنی خیابان سپید شماره ۲۶ طبقه سوم ت
صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

سروشت جنگ...

واستواری مردم بستگی تام دارد به عبارت دیگر ارتشاریان پیشقولانی هستند که از قبل همیشه آماده شده‌اند و عامل پیروزی نهایی در جنگ همیشه اراده ملی است و در پیروزی افتخار از آن ملت و در شکست نیز سرافکندگی نصیب ملت خواهد گردید.

با کمال تأسف از شروع جنگ میان ایران و عراق برخی از روزنامه‌های صبح و عصر کوشش بسیار دارند که با بهره‌گیری از شکردهای تبلیغاتی و انتخاب تیترهای حساب شده، فداکاریها و شایستگی‌های ارتشاریان را نادیده گرفته و ارزش کار دیگران را بیشتر جلوه دهند و با انتخاب عبارتهای خاص، هدفهای خوبیش را القاء کنند و از همکنون سهم بیشتری از افتخارهای احتمالی را به کسان یا گروههایی که میخواهند اختصاص دهند. هنوز توفیق ایران فقط «دفاع خوب» بوده و حتی دستاندر کاران حکومت هم قبول دارند که دشمن در چند راستا بین سی تا پنجاه کیلومتر به درون کشور نفوذ و بخضی ماوراء‌النهر را داشته باشد و پس از آن دستگاهی عادی خود باز میگشند. اما بتدریج جنگ‌افزارهای تشنی اختراع شد و تویخانه وجود آمد و سهیمن دانشمندان گوناگون بکمک ارشادها آمده و سلاحهای پیچیده و دقیق بوجود مدند که کاربرد آنها احتیاج به فراد با تخصص و وزیریه داشت و لیمین موضوع بوجود آمدن رتشهای همیشگی را ایجاب کرد، بنحویکه وابستگان آن بسوی آموزش دیده و مشیش آهنگ پسیج همگانی در مکالمهای خطر باشند.

پیدین ترتیب از چند مدد سال بدل لازم ارتش همیشگی برای بیلت‌ها بخوبی احسان شد و هر سلطنتی که در پدید آوردند آن کوتاهی نمود زیانهای هنگفتی را حمل کرد.

بی‌شک داشتن ارتش همیشگی، شرکت توده مردم را در جنگ نفی نمی‌نماید بلکه فقط احتیاج به دارندگان تخصص را تأمین میکند، پشتوانه است برای دفاع ملی.

اما سرنوشت جنگ به بایداری

از خبرهای هفته

صفحه از یقیه

ایجاد دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست وزیری
دفتر نخست وزیر در اطلاع‌یمای اعلام گردید:
«در تعقیب انتخاب مشاور امنیتی نخستوزیر باطلاع
میرساند از این تاریخ (بیست و سوم مهر ماه ۱۳۵۹) دفتر
امور انقلاب در سراسر ایران منحل و کلیه وظایف آن به
دفتر اطلاعات و تحقیقات نخستوزیری، مستقر در
ساختمان نخستوزیری، خیابان پاستوور تهران، محول
نمی‌دد.»

ادغام دفتر معاملات مسکن و بنیاد مسکن

بنا به پیشنهاد آقای گنابادی، وزیر مسکن و شهر سازی، موافقت امام خمینی، بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن، که زیر نظر هیات امنای بنیاد مسکن فعالیت داشت، از این پس در چهار چوب سیاستهای هماهنگ با وزارت مسکن و بصورت بازوی اجرائی، زیر نظر وزارت مسکن و شهر سازی عمل خواهد نمود.

عربستان از فرانسه چهارده میلیارد فرانک اسلحة میخورد

هفته گذشته روزنامه لوموند فاش کرد که عربستان سعودی چهار کشتی دوهزار تنی مجهز به موشکهای خود کار زمین به زمین، که برآ آنها حدود یکصد و شصت کیلومتر است، و دو کشتی نفتکش مخصوص ناوگان، به ظرفیت حدود هفده هزار تن و همچنین تعدادی هلیکوپترهای «دووفین» مجهز به پانزده موشک ضدکشتی با پردازه کیلومتر از فرانسه خریداری خواهد کرد.

دعوت به بحث آزاد

شبکه دوم سیماه جمهوری اسلامی ایران با صدور اطلاع‌یمای از مسئولیت‌های قبلی و فعلی صدا و سیماه جمهوری اسلامی ایران برای انجام یک بحث آزاد، دعوت به گردهم آئی، کرد. در این اطلاع‌یمه آمده است:

«شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران نظر به اهمیت و نقش رسانه‌های گروهی و بخصوص رادیو تلویزیون در پیشبرد انقلاب اسلامی و باتوجه به حساسیت عملکرد این رسانه‌ها در شرایط فعلی جامعه، در نظر دارد جلسات بحث آزادی پیرامون موضوع عملکرد صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برگزار نماید.»

در این اطلاعیه از مسؤولهای قبلی و فعلی صدا و سیما خواسته شده است که روز پنجشنبه، هشتم آبانماه، در محل تلویزیون آموزشی جهت ضبط برنامه حاضر شوند.

وزیر ارشاد ملی به مجلس احضار شد

هفده تن از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس، خواستار حضور وزیر ارشاد در مجلس شدند تا در رابطه با تعطیل نمودن این وزارت‌خانه، به سوال آنان پاسخ گوید. متن نامه بشرح زیر است:

طبق خبری که در جراید روز پخششیه، دهم مهر ماه
جاری، معکس شده است، آقای وزیر ارشاد ملی بدنبال
سخنرانی خود در جمع کارکنان آن وزارت در محل هتل قدس،
وزارت مزبور را از آن تاریخ تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام
کرد و هماند ویرای توجیه این دستور، به حق قانونی خود بعنوان
وزیر ارشاد استناد فرموده و اضافه نموده اند که جوابگوی
هر گونه استیضاحی از طرف مجلس شورای اسلامی در این باره
خواهند بود. اینک با توجه به اصل یکصد و سی و سوم قانون
اساسی که صراحت دارد: «حدود اختیارات هر یک از وزراء را
قانون معین میکند» - از جناب ایشان خواسته شود که در
فرصت قانونی در مجلس حاضر شوند و باین سوال پاسخ دهند
که: در شرایط فعلی کشور و در حال جنگ با عراق و در گیری با
امپریالیسم، مستند قانونی این تصمیم چه بوده است و در مدت
تعطیل این وزارت خانه، وظایف تبلیغی و ارشادی انقلاب و معرفی
و توضیح جنایات مهاجمین عینی عراق و عوامل ضد انقلاب در
داخل و خارج کشور بعهده چه دستگاهی است. «

کاظم سامی- احمد بهشتی- اخوتیان- صباغیان- اعظم طالقانی- سید علی تقی تقوی- شهاب محمودی- خلیلی- رضا رمضانی- غضنفرپور- صمد شجاعیان- یدالله سحابی- پرویز ملک پور- بسیدین- حاج سید جوادی- سلامتیان- غفور خلخالی- محمد حجت کشفی

• • •

در وابستگی، هیچ دگر گونی بنیادی تحقق نخواهد یافت

همه چیز پیچیده تراز آن است که دست اند رکار ان کمان می‌کند

سرکوب کردن صدام حسين نباید کسی را بفریبد و دچار غرور سازد بر عکس جسارت یافتن صدام حسين برای تاخت آوردن به ایران، باید دولتمردان را به آندیشه فرو ببرد.

چرا آنقدر در پدید آوردن سیاست خارجی جاندار و پرتowan برای ایران مسامحه کردن که صدام حسين خیال پیروزی بر ایران را در سر بپرورد.

امروز هم دلخوش کرده اند به اینکه با وجود وامانده تیره روزی به نام «ملک حسين» در گیر باشند، ملک حسين را «شاه حسين» ناییدن و از وی چند تصویر در روزنامه‌های تهران چاپ زدن، اوج تهاجم سیاست خارجی ایران شده که به راستی در دنک است.

اگر سیاست خارجی کشور کارآمد و پویا می‌بود، نه صدام حسين چنین خیالهای خامی در ذهن می‌پخت، و نه ملک حسين بارای آن را می‌بافت که از «پیروزی بر ایران» دم بزند.

این ملک حسين، همان کسی است که پس از پیروزی انقلاب در ایران، زبان به نکوهش شاه خلخ شده، یار دیرین خود، گشود و او را «دور از معنویت» خواند و بدینسان، نسبت به ایرانیان چاپلوسی می‌کرد. این موجود ناجیز، با آگاهی بر درماندگی خود در برابر قدرت و درخشندگی انقلاب اسلامی ملت ایران دم می‌جنبد، و عنز گذشته می‌خواست.

ولی اینک چه شده است که این «گربه کمر شکسته» اشتم سر میدهد، جان گرفتن و به زبان در آمدن این نگون بخت، ناشی از «یخ بستگی» سیاست خارجی کشور می‌باشد و هیچ علت دیگر ندارد.

حشراتی که یک روز به کنج لانه‌های خود خزیده بودند و از حشمت انقلاب، بر خود می‌لرزیدند اینک سر از لانه به در کرده و آواز می‌خوانند.

راست است که جلوه‌گری‌های اینان به پشتگرمی اربابان و فرستنگان ایشان است ولی اگر سیاست خارجی ایران پویائی و توائی از خود نشان میداد، این گروه هرگز بارای چنین «خوش خدمتی» هائی نمی‌کرند.

ایران انقلابی، می‌بود که صدام حسين را به جای خود تشنادن، و دیگران را هم بجای خود خواهد نشاند ولی قیمتی که برای این کار پرداخته شده کم نیست.

شعلهور شدن جزیره زیبای آبادان برای سرکوب کردن صدام حسين و ملک حسين، قیمت سنگینی است.

اینک باید به خود آمد و بر آگاهی‌ها و توائی‌های خود افزود و بر سیاست خارجی کشور مکانیزم شایسته ترتیب داد، اصل فکری فلسفی و نوابستگی را در خطوط اجرائی روشن به کار بست.

باید پنداشت که جهان تسلیم جهانخوار گان است. در فراخنای گیتی، نفعه آزادگی چنان بلند و پرغوغا است که خواب از دید گان جهانخوار گان در می‌رساید. بر ایران انقلابی است که این نیروی بزرگ باری بوجودید.

در راه گستردن سیاست خارجی و به حرکت در آوردن و نمریخش ساختن آن، دو دشواری بزرگ وجود دارد، فرقه‌گرایی و آسان پنداری.

اگر دولتمردان این دو آفت را زنهانخانه ذهن خود بمزدایند و به پیچیدگی پدیده‌های اجر اگاهی‌ها باور آورند. امیدهای سیار پدید می‌اید و گرنه دشواری از پس دشواری رخ خواهد نمود.

متن پیچیدگی‌های سیاست‌های جهانی نیز خطری بزرگ بر فراز کشور ما به پرواز در می‌آورد، خطر وابستگی. برای آنکه از وابسته شدن دور بمانیم و برای آنکه در متن سیاست‌های جهانی هم کوشای باشیم و هر آنچه را که نیاز داریم از مجموعه درهم پیچیده آن بدست آوریم به کادر کارдан و کارآمد سیاسی نیاز داریم.

فرو غلطیدن به موجهای سیاست‌های جهانی و از آسیب آن در امان ماندن، نه کاری است خرد، و دو خطر اساسی در این راه ایران را بشدت تهدید می‌کند. یکی فرقه‌گرایی و دیگری آسان پنداری.

برآوردن خواسته‌ای که بر شرمه شد نیاز به آن دارد که جوشنده‌ترین استعدادها را یافت. و در دوران آموزشی طولانی و چند ساله در طی مرحله‌های گوناگون، آنها را پرورش داد تا به اجرای این مسئولیتها قادر آیند.

تصور اینکه هر نوجوان از مدرسه برآمده یا هر صاحب ایمان پرپر، توائی آن را دارد که در چنین مهلهکای فرو غلط و سالم و پیروزمند از موضع بدر آید، تصوری است باطل و باید از همه ذهنها، ساده‌اندیشی و آسان پنداری شسته شود.

پیمودن راهی که گفته‌اند صدها پیج و خم و هزارها دام و دامگستر دارد و غلطیدن به چنین مهلهکای نیاز به قدرت آینده‌نگری، و قدرت در ک واقعیت‌ها در ورای پرده‌های ظاهر فریب دارد. در بازار آشفته سیاست‌های جهانی به آسانی میتوان گم شد، بی‌آنکه به گم بودن خویشتن بی برد.

پس از پیروزی انقلاب، اصل نوابستگی راهنمای سیاست خارجی ایران قرار گرفت و لی این اصل، در همین حد و به صورت یک اصل فکری و فلسفی باقی ماند.

هیچ اصل فکری و فلسفی، بخودی خود، قابلیت اجرائی نمی‌باید، و می‌باید بر هر اصل فکری و فلسفی، یک مکانیزم اجرائی کامل و دقیق بار شود.

ولی سیاست خارجی ایران از پدید آوردن چنین مکانیزمی عاجز آمد و از همین رهگذر در روابط خارجی کشور با یک حالت رکود و بی حاصلی روبرو شد.

سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب از تلاش و تلاش بازماند، و به دلیل آنکه نتوانستند مکانیزم مناسب برای سیاست خارجی فراهم آورند؛ آرام آرام، همه زمینه‌های این پر جنبه‌جوشترین جلوه‌های زندگی ملی از کفرفت، و یاد است که به صورتی «یخ بسته» در آمد و اگر کار بر همین منوال ادامه باید، به زودی، وزارت خارجه هم چون وزارت ارشاد ملی، سازمانی غیر لازم به نظر خواهد آمد و آنگاه می‌باید برای تعیین چگونگی انحلال آن به گفتگو نشست.

سیاست خارجی ایران، در گذشته، فضای و شیوه و مکانیزم‌های خاصی داشت که با پیروزی انقلاب بدرستی همه آنها طرد گردید و لی چیزی بجای آنها نشانده نشد.

هم‌چنانکه برای وزارت ارشاد ملی و دست بالاتر سازمان برنامه و برای هیچ‌کدام از دستگاههای دولتی نتوانستند، حیات تازه‌ای تدازک ببینند.

همه این نهادها برای پیش‌رفت کشور به شدت ضروری است ولی بکار اندختن آنها در راه درسته و بهره‌گرفتن از آنها آگاهی‌ها و توائی‌ها می‌خواهد. اگر سیاست خارجی ایران «یخ بسته» نبود عراق هرگز جرئت نمی‌کرد این چنین جسوارانه بر مرزهای کشور بتازد.

امروز دست اند رکاران حکومت سربه ایر می‌سایند که هجوم صدام حسين را عقیم گذاشته و بر لشکر و سازمانهای اقتصادی عراق ضربه‌های سنگین وارد کرده‌اند.

ولی صدام حسين کیست که یارای آن را بباید تا به مرزهای ایران انقلابی هجوم آرد، اینکه موجودی چنین ناقابل فرست آن را یافته که شهرها و روستاهای و سازمانهای بزرگ اقتصادی و نظامی ایران را به ویرانی و آتش بکشاند گناه از خود کاربدستان است.

ولی این شیوه درست نیست، سیاست خارجی با سیاست داخلی، در ارتباط دائم و متقابل می‌باشد، هر تضمیم گیری درباره سیاست خارجی در بافت‌های اجتماعی و اقتصادی داخلی اثر می‌گذارد، و کمترین اشتباه در این زمینه، سرچشمۀ دردهای بسیار خواهد بود که اثر آن تا سالهای سال گریبان‌گیر کشور می‌ماند.

اینک روشن شده است که ایران نمی‌تواند در این منطقه پرآشوب و حساس جهان بصورت یک ملت بی‌دفاع باقی بماند.

اینک کشورهای منطقه یکی پس از دیگری به گرد آوردن، سلاح و نفر و سازمان و آموزش نظامی خواهند پرداخت.

پس از برخوردي که با حکومت نژاد گرای بعث عراق پدید آمد و پس از ضرب شسته‌ای که دشمن خورده است، هیچ‌کدام از کشورهای منطقه در آرامش خواهند ماند، چه دوستان و چه دشمنان.

دشمنان، می‌از آنچه گذشته است هشداری دریافت‌هاند، و بی‌شك بر قدرت نظامی خود تا آججا که ممکن باشد خواهند افزود، خردیدهای شگرف و ناگهانی عربستان سعودی از بازار اسلحه جهانی، نخستین جلوه این دریافت است و بی‌تردید به دنبال عربستان سعودی سایر کشورهای منطقه هر کدام، در حد توائی به نیرومند ساختن ارتش خود خواهند پرداخت.

و دوستان ما، نیز با روپروردشدن با نیرومندی روزافزون دشمنان به ناگزیر در افزودن بر قدرت نظامی خود خواهند گوشید.

نیزدی که در گرفت، و هنوز هم شعلمه‌ای آن زبانه می‌کشد، آرامش اجتماعی و سیاسی را تا سالهای از این منطقه جهان بدور خواهد داشت، زیرا ساخت اقتدار در منطقه بر هم ریخته است، و شکل‌گیری دوباره آن، و استوار شدن حالت تعادل، به آسانی و به زودی می‌سر نمی‌باشد.

در ساخت دوباره اقتدار، هر کشور خواهد کوشید که پایگاهی و جایگاهی اطمینان بخشنده به کف آرد و این تلاش کشورها به گونه‌ای مسابقه قدرت بدل خواهد شد و شرار آن چندان بالا می‌گیرد که همه کشورها را در خود خواهد سوزاند. پدید آمدن چنین مسابقه قدرتی در منطقه، در پس جنگ حاضر حتمی و قطعی است و هر کشور باید سرنوشت خود را در آن جستجو کند.

در ورای چنین مسابقه و در خارج آن، هیچ تصور قابل اجرائی نهفته نیست و مدار اصلی گرددش سیاست منطقه در سالهای آینده همین مسابقه نیرومند شدن خواهد بود.

جنگی که در گیر شده به روشنی این نکته را ثابت کرده که نیرومند بودن، علاوه بر داشتن ایمان به ارتشی کارآمد و سازمان یافته و آموزش دیده و تجهیز شده نیازمند است، چنانکه اگر ایران نیروهای هوایی و دریایی و زمینی و نیرومندی کنونی را نمی‌دانست برای رهایی از توطئه‌ها دشواری‌های بسیار بزرگ روپروردشید و شاید هم از مهلهکه کارزار به سلامت بدر نمی‌آمد. جنگ حاضر به درستی ایران را آگاه کرده است که می‌باید از جهت نظامی نیرومند و نیرومندتر ساخت و این درسی است که همه کشورهای منطقه فرا گرفته‌اند.

جنگ پهلو صورت و در هر زمان خاتمه یابد راهی برایان گشاده نیست، مگر آنکه با سرعت به نیرومندتر ساختن خود بپردازد. نیرومند گشتن هم در گرو داشتن ارتش توانا و اقتصاد پویا می‌باشد.

یکی دیگر از شرایط اقتدار در منطقه، داشتن کنار ارتش مقندر و اقتصاد متخرک در جستجوی آنام هم برخاست.

فراهم آوردن همه‌ی اینها نیاز به کوشندگی در متن شبکه پیچیده و بسیار پیچیده سیاست‌های جهانی دارد. نمی‌توان اقتصاد پویا و ارتش توانا و دوستان وفادار داشت، ولی در پیچیدگی‌های سیاست‌های جهانی قرار نگرفت. قرار گرفتن در

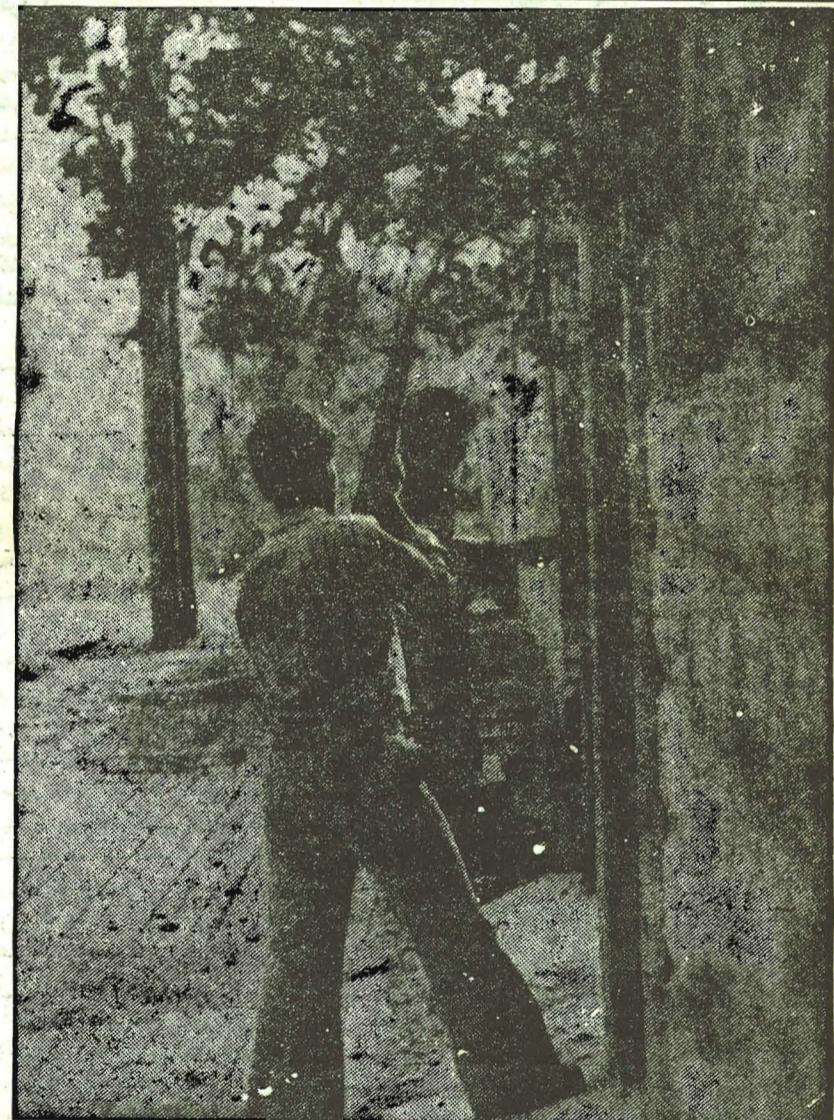
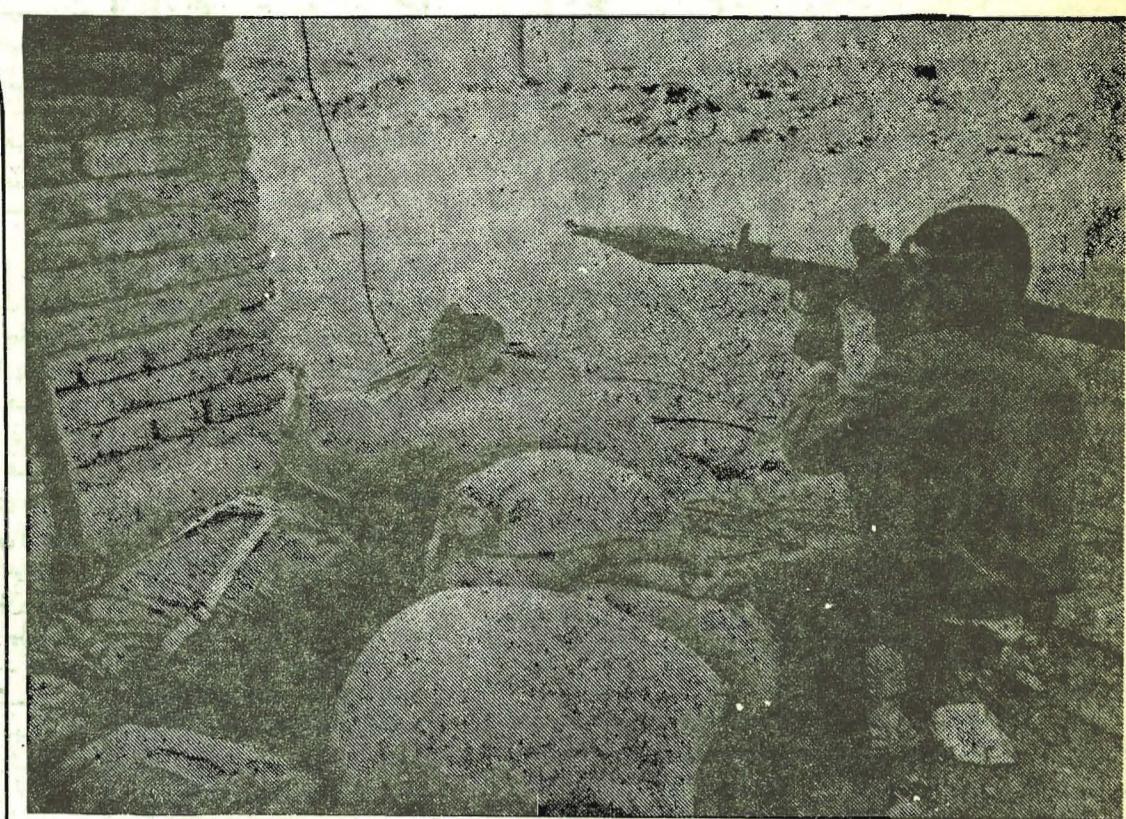
ای ایران

ای خاکت سرچشمه هنر
پاینده مانه تو خادون
جان من قدای خاک باک نمیشم
دور از تو نیست اندیشه ام
پاینده باد خاک ایران ما
خاک دشت بهتر از زرت
برگوبی مهر تو چون کنم
نور از دی همیشه رهنمای هات
دور از تو نیست اندیشه ام
پاینده باد خاک ایران ما

ایران ای خرم بشت من
جز محبت در دل پردم
هر آن بروند رو دکلی شود لم
دور از تو نیست اندیشه ام
پاینده باد خاک ایران ما

مهر عزش

۵۹، ۷، ۱۶



جنگ را با همه نیرو قایروزی نهائی دنبال کنید

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

خبرهای حزبی

- همزمان دکتر بهروز برومند عضو شورای دبیرخانه حزب وسپریست دانشکده علوم پزشکی بامداد روز پنجشنبه بیست و چهارم با همراه داشتن یک گروه ورزیده بشهر جنگ زده اهواز عزیمت کرد و بمحض ورود در بیمارستان سینای این شهر استقرار یافته و به درمان زخمی شدگان و آسیب دیدگان پرداخته است.

- همزمان دکتر سیاوش صحت که به سپریستی یک گروه پزشکی از اصفهان به غرب کشور رفته بود، پس از انجام کارهای درمانی در شهرهای گیلانغرب، سریل ذهاب و اسلام آباد از هفته پیش بشهر کرمانشاه که در اثر بیماران بسختی آسیب دیده، بازگشته است و اکنون در بیمارستان امام خمینی انجام وظیفه میکند.

- گذشته از کوشش و استگان و هواداران حزب که در شهرهای جنگ زده از همان آغاز تجاوز به میهن شروع شد، در سازمان شهرستان تهران و دیگر سازمانهای برون مرکزی حزب نام نویسی داوطلبان و آماده سازی آنها برای فرستادن به چبهای جنگ ادامه دارد.

نامه‌های رسیده

همزمان عباس ایهامي از اصفهان، هشت سال پیش در ذوب آهن اصفهان استخدام و در قسمت مونتاژ برق مشغول کار شدم و همواره با جدیت و اخلاص و صداقت در انجام کار کوشیده و رفتار با کلیه همکاران نیز طبق موازین اخلاق و صمیمیت بوده است. در زمینه کار به کسی زور نگفتم و برادری و تفاهم را جایگزین هرگونه اجراء و اکراه دانسته و بالطبع زور دیده نیز نبوده ام و همانطور که در اجتماع با سلطه دیکاتوری آشنا نباید بود در محیط کار نیز با هرگونه سلطه گرایی مبارزه داشتم.....

همزمان عباس ایهامي در ادامه نامه خود یاد آور می‌شود که بر غم شکست نظام فاسد پهلوی، «متأسفانه اخلاق و رفتار آن نظام ظالم هنوز در بعضی از نفرهای مسئول و مدیران این سازمان وجود دارد که از مفهوم انقلاب عظیم اسلامی ملت ایران هیچ برهه‌ای نگرفتند..... اینک مردی که باید از این دهم وضع رووحی و فکری مهندس ابکار رئیس اکیپ ۷ می‌باشد.....

که چون با روحیه حق طلبی من روبرو شد بوسیله ایادی خود تصمیم گرفت مرا از قسمت خودم انتقال دهد..... که با اعتراض شدید من و همکارانم روبرو شد. همین اعتراض بهانی اخراج من از کار گردید.

بنابراین خانم پوران امید از تهران می‌نویسد

دخترم از همان آغاز جنگ باشور و شوقي که در وقت نگنجد به آموزش کمک‌های اولیه پرداخت و از هفت‌خوان کمیته گذشت و این روزها تمام فرسته‌هایش را در اختیار زخمی شدگان و آسیب دیدگان این جنگ تحمیلی می‌گذارد.

گرچه اگر فرزند کوچکتری که نیاز به مواقیعه این دارد، نداشتم، بیگمان منهم در کنار او همکار او بودم ولی روحیه غمده و خاطر آزاده اش از نابسامانی هائی که شاید با سن و تجربه اندک و آزو پروری های او همخوانی ندارد چنان درماندهام کرده که به نوشت این نامه و تمنای درج آن پرداختم.

شما اگر مسجدی نزدیک خانه داشته باشید صفت طولانی داوطلبان جبهه و کمک‌های اولیه را روزی نیست که نبینید و بی شک مثل من بخود می‌باید در کشوری که چنین روحیه‌ای حکومت کند شکست زمانی واقعیت می‌باید که دیگر در این بوم و بر بقول حواسه‌سرای بزرگ ما زنده یک تن نباشد.

ولی این صفحه‌ها هست و شمار دختران و زنان هم بی‌تعارف چند برابر مردان و پسران است ولی در بیمارستان جوانی که از جنگ برگشته برای تقاضای یک دارو، یا وسیله‌ای برای دفع ادرار باید ساعت‌ها فریاد بزند و صدایش در تراکم بیمار و کمود پرستار و انحصار طبلی دست‌اندر کاران گم شود و بگوش تنباندهای نرسد.

وقتی دختر تازه از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده‌ی من که در شرایط عادی باید آب را هم به دستش داد شب تا صبح، صمیمانه و حتی عاشقانه کار میکند و از انجام هیچ کاری روى ترش نمی‌نماید تازه صبح اگر کشیک بعدی نیاید بی‌خستگی کار را ادامه میدهد، بسی شک هزاران بقیه در صفحه سوم

فرزند خوزستان سلام

ای فرزند دشتهای داغ ای همسفر آفتاب و ای همراه نخلهای سر بلند، چون آفتاب روشن شهرت درخشیدی، و چون رود روان سر زمینت از تکابو نماندی، و چون نخلهای پر بار دیارت سر بلند زیستی، تن به تسليم ندادی، آزمندان تر دامن را نگون ساختی، تیغ در کف دژخیم شکستی و داغ بر دل دشمن نهادی.

ای فرزند گرما، آنگاه که در کوچه‌های تندیه شهرت به سنگر می‌نشینی، از کران تا کران غرور و افتخار روان می‌کنی، هر قطره از آب بهمن شیر گواه غرور تو و هر نخل سر بلند، قصه‌گر عشق تو است.

دشمن آمده بود تا بر کومهای محتن رسیده «کفیشه» سروی کند که آماش ندادی و پیکر پلیدش را چنان گرفتی که هر هوس از سر بنهد.

چنان گرفتی که هر دیگر ایستادی و دشمن آمده بود تا آبهای زلال بهمن شیر را بر تو دریغ دارد که آواره‌اش داشتی، دشمن آمده بود تا «بهار» را از تو بازستند که خزان بر هستیش فکنی و درمانه‌اش داشتی.

فرزند آبادان، فرزند خرمشهر، سلام بر شما، هر افتخار بر شما. رزم جانانه شما، غرور آفرید و شوق و آمید.

دشمن بدل، بر کاشانهای آتش افکند و خانهای را بسوخت. ولی چه باک. خانه‌ها از نو خواهیم ساخت و به فرش و پرده‌های خواهیم آراست و ارزانی مردم، ما خود در کمین دشمن خواهیم نشست. خانه تو از این پس هر گوشه ایران است. ایران را سر بلند داشتی که خود سر بلند مانی.

دشمن از زمین و هوا آتش گشود و از آن سوی «شط» خمس پاره فرزو ریخت، ولی حتی یک دم نهاریستی. بر هو ایستگاه «فرح آباد» سنگر بستی و همه شهر را با خون آذین بستی، و دشمن درمانه شد.

دشمن آمده بود تا «حلبی آباد» را هم از تو برگیرد، که تیر بر قلبش نشاندی. «حلبی آباد» از این پس «غرور آباد» و «افتخار سرا» است.

آنها که دلیری‌های تو را شنیده‌اند، غرق شگفتی و غروراند. هر آنچه از حرمت و غرور از تو ریوده بسوندند، باز پس گرفتی. بگذار شهر را به آتش بکشند چون مرغ آتش در میان شعله‌ها سرود خواهیم خواند. سرود رهانی، سرود غرور، سرود وطن. و آنگاه از انسوه خاکسترها، دوباره پر خواهیم کشید.

جزیره را سوختند نه اندوه که تاریخ را ساختیم فردا را ساختیم و ایران را ساختیم. از این پس دیگر کدام کس بر سر زمین تو چیرگی تواند کرد.

نگاه کن که خورشید بر تو نور میریزد. و نخلهای تو، خوش‌های شیرین به بار می‌آورند.

سلام بر تو

از خبرهای هفته

آمادگی ایل بویر احمد برای دفاع از میهن

شہباز ضرغام پور از سوی ایل بویر احمدی تلگرامی به ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران مخابره کرده و رونوشت آن را برای ریاست جمهوری اسلامی ایران و داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران فرستاده است که متن آن در زیر چاپ می‌شود.

اگرچه پس از سالها مبارزه بازیم ساق و فدا کردن عزیزان خود در راه آرمان خویش در آن ایام نکبت‌بار که برگسی پوشیده نیست بانهایت تأسف در دوران بعداز انقلاب اسلامی ایران هم برای فشار و تحریکات عده‌ای از مامورین از خدابی خویش را ازدست داده و چندمراهی است که کنار گرفته و سکوت اختیار کردند اما اکنون که وطن عزیزان مورد تجاوز قرار گرفته است گوشه‌گیری و خاموشی اگنه و ننگ دانسته‌ی تماس و وحدت نظر باسران دیگر ایلات جنوب خصوصاً سران ایل قشقائی آماده‌اند که بازیان خویش دلیران ایل بویر احمد دوش بدوش برادران ارتشی بامتجاذبین بحریم ایران عزیزان پیکار نموده بشیوه نیاکان خود جان و هستی خویش را در راه حراست از این مرز و بوم کهن قدانمائیم.

گسترش پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان عراق

دفتر نظامی اتحادیه میهنی کردستان عراق در اطلاعیه‌ای که در ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۹ برابر با ۱۸ اکتبر ۱۹۸۰ انتشار داد در گیری‌های پیشمرگان خود را بازیارهای دولت بعضی عراق مورد بررسی قرار داد. در این اطلاعیه امداده است «همزمان با تهایم و حشیانه رژیم ضد خلقی عراق به روستاها و شهرهای جمهوری اسلامی ایران پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان عراق دست به عملیات زیر زندن که طی آن ۳۶ مزدور روزیم فاشیستی حاکم کشته و یا محاکوم به اعدام شدند و یک فروند سیخوی عراقی سرنگون شد. در این عملیات که از دهم سپتامبر تا دهم اکتبر روزی داد ۴۲ نفر مزدور گشته و ۱۳ نفر مجرح شدند. علاوه بر این ۴ نفر از مزدوران استغبارات و مزدوران «الجیش الشعبي» نیز دستگیر و محکوم به اعدام شدند. این ۴ نفر مصطفی سید جلال در هریم ۵ و محمد خلیفه از شهر پنجوین، خلیل طاهر حسین که در جاده پنجوین سید صادق اعدام شد و شریف محمد امین مامور استغبارات کرکوک بوده‌اند. حکم آنان در دادگاه انقلاب خلق عراق صادر و به اجراء در نفر کشته شدگان در گیریها ۹ نفر بر اثر انفجار مین در نواحی قره‌داغ ابراهیم آباد، چومان و بازیان بوده و ۳۳ تن دیگر در در گیریهای قله ماسکوک، تالهاریز، جوار فورنه، کورنمک، هریم ۲، دره شهدان جلجه، هولیر و پنجوین بوده‌اند.

همچنین پیشمرگان اتحادیه میهنی سریان خانه «توکل» را با تپهای ۶۰ میلی‌متری گلوله باران کردند که در نتیجه آن یک افسر و دوسپریز کشته شدند. در ۲۶ ماه سپتامبر هنگامیکه یک فروند سیخوی عراقی سرنگرهای پیشمرگان در قره‌داغ را بمباران میکرد مسورد اصابت گلوله قرار گرفت در روستای «هه ثاره» قره‌داغ سقوط کرد و آتش گشید.

علاوه بر این پیشمرگان اتحادیه میهنی به داخل شهر سلیمانیه نفوذ کرد و یک مزدور چیز شعبی را دستگیر و اوتومبیل شعاره ۶۰۱۱ او را مصادره و منفجر کردند.

در این مدت پیشمرگان ۵ قبضه کلاشینکوف و دو قبضه اسلحه کمری و مقداری فشنگ بدست اوردنده و به چند حمله دیگر در شهرها و نواحی سلیمانیه، کرکوک، قره‌داغ و جمال دست زدند که هنوز زیان‌های دشمن مشخص نشدند.

راهاندازی مرکزهای آزمایشگاهی رایگان

شورای جهاد دانشگاهی در اطلاعیه شماره سه به آگاهی همکان رسانده که «بدنیال بازگشایی و به راماندازی شعبه مرکزی آزمایشگاه مستضعفین واقع در میدان ونک» از روز شنبه بیست و ششم مهرماه «شعبات دیگر این مرکز» شروع بکار خواهد کرد خبر رسیده نشان میدهد، این مرکزها که دادگای آزمایشگاهی در زمینه‌های خون‌شناسی، بیوشیمی، میکروب‌شناسی و ایمنولوژی و کلیه آزمایشگاهی اختصاصی می‌باشند. و کلیه بیماران خانواده‌های شهیدان و آسیب‌دیدگان انقلاب و نیز تمامی تهیه‌دان را بطور رایگان می‌بدیرد از هنگام تعیین شده شروع سکار کردند و در به راماندازی این مرکزهای دکتر بهروز برومند سرپرست دانشگاه علوم پزشکی ایران، بیشترین کوشش را نموده است.

علم اعلام بیطری فی سازمان آزاد بی‌بخش فلسطین

خبر گزاری یونانیدپرس- بیروت- منابع فلسطین اعلام داشتند اگرچه سازمان آزاد بی‌بخش فلسطین در مورد جنگ حاضر پشتیبانی آرامی (۱) از لحاظ مادی و معنوی از ایران میکنند. پیشمرگان در قره‌داغ را بمباران میکردند اصطبات گلوله و آتش گرفت.

علم اعلام بیطری فی سازمان آزاد بی‌بخش فلسطین اظهار داشتند این سازمان کمک‌های مادی غیرنظامی و اطلاعات مفیدی در اختیار ایران می‌گذارند.

این منابع ضمن خودداری از ذکر نوع کمک‌های مادی خاطر نشان کردند، فلسطین در کمک به ایران با سوریه و لیبی هماهنگی دارد.

به گفته یک مقام فلسطینی تمام نیروهای نظامی فلسطین طرفدار آیت‌الله خمینی هستند (۱) کمک مالی هنگفت عراق به سازمان آزاد بی‌بخش فلسطینی و تعامل این سازمان به پایان یافتن سریع جنگ میان ایران و عراق، فلسطین را مجبور به اعلام حالت بیطری کرد. (۱)

یک مقام فلسطینی اظهار عقبیده کرد که ایرانیان موقعیت ما را در کمک میکنند و از ما گله ندارند. ماز جهات مختلف در حال

کمک به ایران هستیم و این کشور از موضع ما آگاه است.

● بهله ملت ایران بخوبی «از موضع دلال مایانه شما و هم

گلایای هم از آنها که خود را بدروغ به عنوان رهبر به این

مردم ستیده تقدیم کردند، ندارد.

بقیه در صفحه سوم

درو دروان قابناک همه شهیدان فرد برد میهنی